



زندگی نامه‌ی خود گفته
حجة الاسلام و المسلمین
سید حسن نصرالله

م. کوشش
حمید میرزایی

فهرست

۱۱		مقدمه
۱۵		نصرالله
۱۵		خانواده‌ی من
۱۸		آغاز فعالیت سیاسی
۱۹		ما و جنگ داخلی
۱۹		عشقم طلبگی بود
۲۲		اولین منبر
۲۳		می‌خواهم طلبه شوم
۲۵		راهی نجف شدم
۲۷		لباس روحانیت
۳۰		شهریه‌ی طلبگی
۳۱		سخت‌گیری و بازگشت به لبنان
۳۴		تأسیس حوزه در بعلبک
۳۶		کتاب‌هایی که خواندم
۳۷		ماجرای شیرین ازدواجم
۳۸		فرزندان خوبم
۳۸		بازداشت در ایران!
۴۰		فعالیت سیاسی
۴۰		سفر به قم
۴۰		ورود سپاه به لبنان
۴۱		در بیروت
۴۲		دوباره قم

۴۲	بازگشت به لبنان
۴۳	برادرم حسین
۴۴	پذیرش مسئولیت
۴۴	دبیر کلی حزب الله
۴۶	حضور در جبهه
۴۷	خودرویی که سفیر مرگ بود
۴۸	آشنایی با امام
۴۹	امام شد مقتدای من
۵۳	دیدار با سیدقائد
۵۴	فوت امام
۵۵	حمله‌ی اسرائیل به لبنان
۵۶	جدایی از امل
۵۸	ورود سپاه
۵۸	تشکیل حزب الله
۶۰	شورای اول
۶۲	شورای دوم
۶۲	شورای سوم و ورود من
۶۳	شورای چهارم و امامت سیدقائد
۶۳	شورای پنجم و جدایی شیخ صبحی
۶۵	شورای ششم
۶۶	شورای هفتم
۶۶	استاد شهیدم سیدعباس موسوی
۶۹	شهید شیخ راغب حرب
۶۹	حزب الله و علامه فضل الله

۷۱	من، پدر شهید شدم
۷۳	عملیات‌های شهادت‌طلبانه
۷۶	عملیات شهید ابوزینب
۷۶	عملیات مدرسه‌ی الشجره
۷۷	عملیات شهید الحی
۷۸	عملیات شهید صلاح غندور
۷۹	عملیات دیگر
۸۰	بلال اخرس و حسین انیس ایوب
۸۰	مشارکت احزاب دیگر در عملیات‌ها
۸۳	گزینش شهادت‌طلبان
۸۷	نامه‌هایی برای شهادت
۹۲	حسرت شهادت
۹۵	پی‌نوشت‌ها
۱۳۷	خاطره‌ی سه دیدار
۱۴۱	شهادت سیده‌های نصرالله
۱۴۵	وصیت‌نامه‌ی شهید سیده‌های نصرالله
۱۵۳	نقش مصاحبه در تاریخ شفاهی
۱۶۱	عکس‌ها

مقدمه

اولین بار، تابستان ۱۳۶۲ در سفری که همراه گروهی دیگر از هم‌سن و سالان خود به لبنان داشتم، با حجت‌الاسلام و المسلمین «سیدحسن نصرالله» آشنا شدم. آن زمان، در مسجد «امام علی (علیه‌السلام)» بعلبک، نماز جماعت و همچنین نماز جمعه را اقامه می‌کرد. همان ایام، به دلیل شباهت چهره و خلق‌و‌خو، بچه‌های ایرانی - و لبنانی‌ها هم به تبعیت از آنان - وی را «خامنه‌ای کوچک» می‌خواندند.

بعضی شب‌ها، به خواست ما و استقبال سید، در «مقر امام مهدی (عج‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف)» جلسات توجیهی اوضاع و احوال تاریخی و سیاسی لبنان، توسط وی برگزار می‌شد. از همان ایام، صداقت و حلاوت سخنان و مواضع ارزشی او، در کامم نشست. پس از بازگشت به ایران، با وجودی که همه‌ی هوش و حواسم درگیر دفاع مقدس و حضور در آن بود، مهر آن سید که ایمان و اخلاص در رفتار و کلامش موج می‌زد، نه تنها فروکش نکرد، که همواره در دلم فروزان‌تر گشت.

بهار ۱۳۷۴، دوباره توفیقی دست داد تا پس از ۱۲ سال، مجدداً سیدحسن

نصرالله را در بیروت ملاقات کنم و این بار در جایگاه دبیر کلی حزب الله لبنان؛ و به حق این مسئولیت خطیر، برآورنده ی روحیه و ایمان عملی وی بوده و هست.

زمستان ۱۳۷۷، طی سفری که به طور کاملاً شخصی - و بدون هرگونه حمایت مادی و معنوی ارگان ها و سازمان های دولتی - به لبنان داشتم، موفق شدم با همکاری دوست بزرگوار لبنانی ام «موسی احمد قصیر» (ابو احمد) طی دو جلسه در مجموع حدود ۶ ساعت، خاطرات و زندگی خودگفته ی سیدحسن نصرالله را ضبط ویدئویی کنم. البته قبل و بعد از آن نیز، گفت وگوهای مختصری با وی داشتم که همه ی آن ها را نیز ضبط کرده و به فراخور موضوع، در میانه ی این کتاب که پیش دیدگان شماست، جای داده ام. آن چه برای من بسیار مهم و ارزش مند می نماید، عظمت اخلاص، فداکاری و گذشت این رهبر اسلامی و عربی در مسیر بسیار سخت و خطیر راهبری حزبی است که در تاریخ پر فراز و نشیب لبنان، نقش به سزایی ایفا کرده که دوست و دشمن بر آن اذعان دارند.

در این کتاب، با اوضاع، احوال و روحیات شخصی سیدحسن نصرالله که ذکر و یادآوری آن ها برای خود وی جالب و جذاب بود، آشنا می شوید. کسی که برخلاف بسیاری رهبران سازمان های به اصطلاح مبارز، مسئولیت و دبیر کلی را نه برای کسب پست مقام و مال، که برای خدمت خالصانه تر و فداکاری در راه اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) و ولایت فقیه دانسته و می داند؛ تا آن جا که از اعزام فرزند دل بند خود به جبهه های نبرد علیه اشغال گران، ابایی ندارد و بر شهادت جگرگوشه ی خویش، افتخار می کند؛ و صدا البته چنین صحنه ای در میان آنان که داعیه ی رهبری احزاب و گروه های لبنانی و عربی را طی قرن گذشته داشته و دارند، کاملاً بی نظیر می باشد.

زندگی‌نامه‌ی خودگفته سیدحسن نصرالله ■ ۱۳

جا دارد از زحمات بی‌دریغ و بی‌هیچ چشم‌داشت دوستان عزیزم موسی احمد قصیر که همواره زحمات سفرهایم در لبنان بر دوش او بوده و هست، و هم‌چنین «علی‌رضا موحدی» که زحمت پیاده کردن نوارها و هم‌چنین ترجمه‌ی متون از عربی به فارسی را کشیده است، قدردانی کنم.

امیدوارم این کتاب بتواند ما را بیشتر با روحیات ارزشی و حماسی دلاورمردان حزب‌الله لبنان، سربازان آخرالزمانی امام عصر (عج‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) آشنا سازد.

ان شاء الله

زمستان ۱۳۹۰

تهران - حمید داودآبادی